

## روند آسیب‌های اجتماعی و رویکردهای مقابله‌ای

با سخنرانی دکتر محمد فاضلی  
دکتر روزبه کردونی

تدوین: زهرا عقیلی

### اشاره:

وقوع برخی رویدادها در عرصه اجتماعی در ماه گذشته، همچون انتشار خبر ضرب و شتم دو کودک در تهران و مشهد، چندین مورد خودکشی، قتل اعضای خانواده توسط مادر، حمله مسلحانه در تاکستان به دلیل پاسخ منفی برای ازدواج و... نشان از وضعیت پرتلاطم آسیب‌های اجتماعی در جامعه امروز دارد. پژوهشکده مطالعات راهبردی که موضوعات مربوط به امنیت اجتماعی را به صورت جدی و پیوسته همواره دنبال می‌کند، تلاش کرده است وضعیت آسیب‌های اجتماعی در کشور را در نشست این شماره خود با سخنرانی آقای دکتر محمد فاضلی\* و آقای دکتر روزبه کردونی\*\* دو کارشناس با تجربه این حوزه، تبیین دقیق‌تری نماید. نوشتار حاضر متن تدوین شده این نشست است که تقدیم خوانندگان ماه‌نگار امنیت ملی می‌شود.

سبب آسیب‌های اجتماعی می‌شوند؛ مانند حاشیه‌نشینی که ممکن است بستری برای آسیب فراهم بکند. بنابراین تفکیک بین آسیب اجتماعی و مسئله اجتماعی بسیار مهم است.

در جدول ذیل انواع مسائل اجتماعی که خودشان می‌توانند بسترهای زیادی برای آسیب ایجاد کنند را معرفی می‌کنیم.

اگر آسیب اجتماعی و مسائل اجتماعی را از هم تفکیک کنیم، می‌توانیم برای هر کدام برنامه کاری مستقلی داشته باشیم. با توجه به جدول فوق و معرفی انواع مسائل اجتماعی هر کدام از زیرمجموعه‌های مسائل اجتماعی ظرفیت تبدیل به یک بحران را دارند. به طور مثال بحران محیط زیست در خوزستان یک مسئله است و احتمال تبدیل به بحران

**دکتر فاضلی:** یکی از مسائل استراتژیک و مورد تأکید رهبر انقلاب آسیب‌های اجتماعی موجود در جامعه است، به همین منظور برای حل این معضلات گزارش‌ها و راهکارهایی تهیه شده است که به اختصار توضیح می‌دهیم. بخشی از این اطلاعات و داده‌ها از طریق منابع وزارت کشور طی دو سال تهیه شده است. در اینجا آسیب‌های اجتماعی را به ۵ طبقه تقسیم کردیم که شامل: ۱- خشونت ۲- آسیب جنسی ۳- آسیب خانوادگی ۴- آسیب اقتصادی ۵- آسیب‌های سبک زندگی و رفتار پرخطر است. هر کدام از این آسیب‌ها به انواع مختلفی تعریف می‌شود و با هر کدام باید با مدل انحصاری خودش برخورد کرد.

بعضی از این موارد آسیب به حساب نمی‌آیند بلکه نوعی مسائل اجتماعی<sup>۱</sup> به حساب می‌آیند که خودشان

### 1. Social problem

\* معاون پژوهشی مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری  
\*\* مدیر کل دفتر آسیب‌های اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی



جدول ۱. انواع آسیب‌های اجتماعی (انحرافات اجتماعی)

خشونت	آسیب جنسی	آسیب خانوادگی	آسیب اقتصادی	آسیب‌های سبک زندگی و رفتار پرخطر
نزاع	تجاوز	طلاق	رشوه خواری	اعتیاد
ضرب و جرح	همجنس‌بازی	فرار از منزل	اخاذی	مصرف مشروبات الکلی
قتل	فحشا	خشونت خانوادگی	اختلاس	رانندگی پرخطر
خودکشی	پورنوگرافی	زنا با محارم	سرقت	بدحجابی / ناهنجاری پوشش
فحاشی		روابط قبل از ازدواج	تکدی گری	
		خیانت همسران	کلاهبرداری	

• اعتیاد و مشروبات الکلی: تعداد معنادان کشور از ۷۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۷۷ به ۲،۵۹۰،۰۰۰ نفر در سال ۹۴ رسیده است.

• تعداد مصرف کنندگان مشروبات الکلی فقط در فاصله بین سال ۹۱ تا ۱۳۹۳ از حدود ۱،۳۰۰،۰۰۰ نفر به بیش از دو میلیون نفر رسیده است.

• جرائم جنسی: تعداد دستگیر شدگان جرائم جنسی از ۱۰/۷ نفر در هر صد هزار نفر در سال ۱۳۸۰ به ۱۷۲/۱ نفر در سال ۱۳۹۱ رسیده است.

• خودکشی: روند اقدام به خودکشی در کشور به ازای هر ده هزار نفر نشان می‌دهد از سال ۱۳۷۵ به بعد اقدام به خودکشی در دو گروه سنی ۱۸ تا ۲۴ سال و ۲۵ تا ۳۴ سال در حال افزایش بوده است.

آشکارترین روند افزایش در گروه سنی ۲۵ تا ۳۴ سال است که از ۲۵/۲ نفر در هر ۱۰ هزار نفر به ۳۸/۸ نفر رسیده است. به نظر می‌رسد خودکشی این گروه سنی ۲۵ تا ۳۴ سال به دلیل بیکاری و ناامیدی از بازار کار بعد از فارغ‌التحصیلی است.

• قتل: تعداد مقتولان کشور از ۱۳۸۲ نفر در سال ۱۳۸۰ به ۱۸۲۴ نفر در سال ۱۳۹۳ رسیده است. پیش‌بینی می‌شود این تعداد در سال ۱۴۰۵ به ۲۴۸۰ نفر برسد.

• طلاق: طلاق جزء مواردی است که مورد تشکیک است که آیا یک مسئله اجتماعی است یا آسیب اجتماعی. گاهی اوقات به روایتی می‌توان گفت طلاق

بی‌ثباتی و ناراضی‌تبی اجتماعی گسترده را دارد و یا در حوزه مسائل ارزشی و نگرشی تضعیف هویت دینی فی‌نفسه آسیب نیست بلکه نوعی مسئله اجتماعی است.

چند گزاره اصلی در خصوص مسائل اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی داریم که به شرح ذیل است:

۱- تفکیک آسیب اجتماعی از مسئله اجتماعی برای فهم بهتر ماهیت آنچه که در جامعه و کشورمان در حال وقوع است و ارائه راهکارهایی برای بهبود شرایط ضروری است.

۲- سه نوع تعامل مهم میان انواع آسیب‌های اجتماعی و مسائل اجتماعی قابل‌بازشناسی است.

○ تعامل انواع آسیب‌ها با یکدیگر (مثال: رابطه فرار از منزل و افزایش احتمال فحشا)

○ تعامل مسائل اجتماعی با یکدیگر (مثال: بحران محیط زیست و احتمال فقر، بیکاری و حاشیه‌نشینی)

○ تعامل مسائل اجتماعی و آسیب‌ها (مثال: حاشیه‌نشینی و احتمال افزایش اعتیاد، سرقت یا فحشا) آماری از گزارش‌های رسمی وزارت کشور درباره آسیب‌ها را در ذیل عنوان می‌کنیم:

○ خلاصه وضعیت روند برخی آسیب‌های اجتماعی:

• زندانیان: تعداد زندانیان از ۲۳ نفر در سال ۵۸ به ۲۸۴ نفر در هر هزار نفر در سال ۹۳ رسیده است و ایران در شمار ۱۵ کشوری است که بیشترین تعداد زندانی را دارد.



• نابرابری: ضریب جینی طبق آمارهای رسمی از ۰/۴۶۸ در سال ۱۳۵۰ به ۰/۳۶۴ در سال ۱۳۹۱ رسیده است. (توزیع ثروت عادلانه‌تر شده است) (که این پدیده نشان از هدفمندی یارانه‌هاست و طبق آمارهای سال ۱۳۹۱ است)

○ سهم ده درصد ثروتمندترین به ده درصد فقیرترین از ۲۴ در سال ۱۳۵۰ به ۱۰ در سال ۱۳۹۱ کاهش یافته است.

○ شاخص‌های رفاهی: هزینه خوراک خانوار ایرانی از سال ۱۳۶۱ تا سال ۱۳۸۸ رو به کاهش بوده است. اما از سال ۱۳۸۸ به این سو افزایش یافته است. (یعنی از سال ۶۱ تا ۸۸ دسترسی به رفاه بیشتر بوده است ولی از سال ۸۸ معکوس شده و دسترسی‌های رفاهی کمتر شده است)

هر مقدار که هزینه خوراکی کاهش پیدا کند، یعنی می‌تواند به اقلام رفاهی دیگر پردازند. این نشان از فقیرتر شدن خانواده‌ها دارد و این پدیده می‌تواند بر روی بهداشت و درمان اثر نامناسبی بگذارد، سرانه مصرف انرژی همواره رو به افزایش بوده است و از ۲ واحد در ۱۳۵۰ به ۱۶ واحد در سال ۱۳۹۲ رسیده است و این امر به لحاظ اقتصاد کلان، مسئله است و بر روی هزینه‌ها اثر می‌گذارد.

○ حاشیه‌نشینی: به شدت در کشور افزایش داشته است. جمعیت حاشیه‌نشین از ۱۴/۷۱۰ نفر در سمنان تا ۱/۲۰۰/۰۰۰ نفر در تهران در نوسان است. فقط در تهران، خراسان رضوی و خوزستان ۲/۷۰۰/۰۰۰ نفر حاشیه‌نشین داریم.

متوسط نرخ بیکاری در دنیا ۶ درصد و در ایران ۱۳/۲ درصد است و استان‌های غربی (کرمانشاه، ایلام، خوزستان، لرستان و کردستان) و شرقی (سیستان و بلوچستان و کرمان) بیشترین نرخ بیکاری را دارند که این مسئله برای امنیت منطقه یک تهدید به حساب می‌آید.

نرخ بیکاری مردان فارغ‌التحصیل آموزش عالی از ۷/۱ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۴۶/۸ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است.

در صورت تداوم روند کنونی ممکن است آمار بیکاران کشور در سال ۱۴۰۵ به ۱۷/۵۳۱/۳۲۰ نفر برسد.

یک مسئله است؛ اگر به قربانیان طلاق زن، مرد و بچه رسیدگی نشود و مورد حمایت اجتماعی قرار نگیرند تبدیل به یک آسیب می‌شوند اما به روایت دیگری هم می‌توان این گونه به نتیجه رسید که طلاق خود عامل جلوگیری از آسیب هم می‌تواند باشد و طلاق به موقع، بازدارنده قتل و خشونت خانگی می‌شود.

در حوزه آسیب‌های اجتماعی در برخی موارد، خانواده‌های زن سرپرست را به عنوان آسیب اجتماعی تلقی می‌کنند اما فی‌نفسه آسیب اجتماعی نیستند. بعضی از خانواده‌های زن سرپرست که توان اقتصادی ندارند، به سوءاستفاده‌های جنسی کشیده می‌شوند؛ بنابراین آسیب‌زا به حساب می‌آیند. در مقابل زنانی هستند که سرپرستند و بسیار آبرومندانه زندگی می‌کنند؛ یعنی ما با دو مقوله متفاوت روبه‌رو هستیم.

### خلاصه وضعیت و روند برخی مسائل اجتماعی

• خانوارهای زن سرپرست: تعداد خانواده‌های زن سرپرست در سال ۱۳۶۵ از ۶۸۵/۵۱۱ نفر به ۲/۵۴۸/۰۷۲ نفر در سال ۱۳۹۰ رسیده است.

• پیش‌بینی می‌شود تعداد خانوارهای زن سرپرست در سال ۱۴۰۵ به ۴/۷۲۴/۵۹۹ خانوار برسد. اگر این پدیده را نتوانیم همراه با اشتغال زنان و حمایت اجتماعی از آنها تأمین کنیم، ممکن است به فساد اخلاقی در جامعه دامن بزنند.

• سواد و تحصیلات عالی: نرخ باسوادی کل کشور در سال ۱۳۹۰ برابر ۸۴/۸ درصد بوده است. این میزان در مردان ۸۸/۴ و در زنان ۸۱/۱ است. نرخ باسوادی زنان روستایی نیز کمترین مقدار و ۶۹/۴ درصد است. تعداد دانشجویان از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰ به شدت افزایش داشته است. ایران در کشورهای منطقه در سواد عمومی فقط از یمن، افغانستان و عراق شرایط بهتری را دارد و بقیه کشورها سطح سواد عمومی و آموزشی‌شان بهتر از ایران است و این خود یک مسئله اجتماعی است.

• جمعیت: در حال حاضر جمعیت کشور در بهترین حالت خود قرار دارد و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۱۴۲۵ بیشترین جمعیت ۱۵ تا ۶۴ سال را در کشور داشته باشیم.



○ توزیع نامتوازن فقر: بنا به گزارش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی فقر به شکل نامتوازی در کشور توزیع شده است.

○ تولید سرانه در استان تهران ۶ برابر استان سیستان و بلوچستان است.

○ گلستان، ایلام و سیستان و بلوچستان بیشترین جمعیت زیر خط فقر را دارند.

○ پایین‌ترین شاخص‌های توسعه انسانی مربوط به تمام استان‌های مرزی کشور است.

○ کمترین نرخ باسوادی شامل شهرهای سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، کردستان و خراسان شمالی می‌شود.

○ بالاترین نرخ‌های بیکاری در استان‌های مرزی است.

تقسیم‌بندی علل آسیب‌ها در سه دسته عنوان شده است.

۱. عوامل زیرساختی که شامل بیکاری، فقر، عدم آمایش سرزمین، افزایش فاصله طبقاتی، تشدید احساسات منفی ناشی از احساس بی‌عدالتی، جابجایی شتابناک جمعیت بر اثر مهاجرت که بحران محیط زیست هم به آن اضافه شده است و تشکیل محیط‌های حاشیه‌نشینی است.

۲. عوامل ساختاری که بر روش‌های تک‌بعدی متکی است. یعنی اتکا به روش‌های تک‌بعدی و عموماً «سخت‌افزاری»، «کنترلی» و «قضایی» و نهادینه‌نشدن «الگوهای علمی، راهبردی و بنیادین».

۳. روندهای فراملی هم وجود دارد که موجب تشدید آسیب‌های اجتماعی کشور می‌شود:

۱-۳. نقش و مداخله سرویس‌های امنیتی، باندهای مواد مخدر، جریان‌های شبه مذهبی و...

۲-۳. جنگ نرم، شبکه‌های اجتماعی و...

بر اساس تقسیم‌بندی‌های فوق، مهمترین علت بروز و تشدید آسیب‌های اجتماعی شدت گرفتن مسائل اجتماعی است. اما این تقسیم‌بندی را می‌توان به گزاره‌های مشخص تری نیز تبدیل کرد:

۱- ناکارآمدی حکمرانی باعث رواج فزاینده فساد مالی، قانون‌گریزی و بی‌اعتمادی شده و سرمایه

اجتماعی فرسایش یافته است. در نتیجه مشروعیت هنجارهای اخلاقی و اقتدار قواعد نظم سیاسی تضعیف شده و احتمال ارتکاب رفتارهای آسیب‌زا افزایش می‌یابد.

امروز متخصصان اذعان می‌کنند که سرمایه اجتماعی از بالا تولید می‌شود و وقتی حکومت‌ها در ساختار نهادینه خودشان قادر نیستند با قانون‌گریزی مقابله کنند، نوعی بی‌اعتمادی تعمیم یافته شکل می‌گیرد که حالت نهایی آن در اصل نزولی شدن مشروعیت هنجارهای اخلاقی است.

۲- تداوم مزمن بیکاری، تورم، فقر، توزیع نامتوازن فقر و احساس تبعیض و فشار ساختاری بر افراد و تمایل ذهنی برای رفتار آسیب‌زا. (یعنی انباشت این گونه مسائل آسیب‌ها را به لحاظ ذهنی و واقعی توجیه کرده است.)

۳- شکاف فزاینده مرکز- پیرامون در کشور با تمرکز حاشیه‌نشینی، کم‌سواد و فقر در استان‌های حاشیه‌ای کاملاً آشکار است، مهاجرت ناشی از توسعه نامتوازن مرکز- پیرامون، توسعه حاشیه‌نشینی و سیاست‌های ناصحیح مدیریت شهری و توسعه منطقه‌ای، به توزیع نامتوازن جمعیت و افزایش احتمال بروز رفتارهای آسیب‌زا انجامیده است. (تقریباً تمام جامعه‌شناسان شهری می‌دانند که فقر به خودی خود منجر به آسیب نمی‌شود بلکه تمرکز فقر عامل آسیب‌زایی است.)

۴- افراد جامعه دائم تحت فشار فزاینده احساس نابرابری و تبعیض، فشار روندهای متناقض در گفت‌وگو و عمل نظام سیاسی، مقایسه دست‌آوردهای زندگی شخصی با دیگران و کشورهای خارجی، همچنین روندهای سبک زندگی و تحول ارزشی در ایران و جهان قرار داشته‌اند.

چهار گزاره فوق را می‌توان معرف موتورهای محرک و پیشران مسائل اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی تلقی کرد. یک موتور پیش‌برد داریم که در این ۴ گزاره عنوان شده است و یکسری موتورهای مخالف که با این سیستم کار نکرده است.

الف- دستگاه قضایی و سازمان‌های متولی رصد و



کنترل آسیب‌های اجتماعی که نظام آماری دقیق و نظام‌های معتبر سنجش آسیب‌های اجتماعی و دانش و تحقیقات لازم برای شناخت آسیب‌های اجتماعی و رویه‌های غیرامنیتی و غیرقضایی برخوردار با آسیب‌ها را ندارند.

ب- الگوی مشخص و مورد توافق میان بخش‌های مختلف مسئول، برای شناخت و مواجهه با آسیب‌های اجتماعی وجود نداشته است. به طور مثال ارگان‌های زیر نظر سازمان بهزیستی برخوردار یکسانی با مسائل اجتماعی ندارند و در یک شهر کودکان کار را تکریم می‌کنند و در شهر دیگر به آنها اهانت می‌کنند.

جامعه ما وارد چرخه‌ای شده است تحت عنوان خود تقویت شوندگی آسیب‌ها و مسائل اجتماعی: بر این اساس ناکارآمدی باعث ترویج فساد می‌شود که به دنبال آن فساد باعث فزونی آسیب‌های اجتماعی و فزونی سرمایه اجتماعی می‌شود و نهایتاً منجر به آسیب می‌شود؛ این آسیب به مرور تشدید می‌شود.

ملاحظات در این موارد و آمار وجود دارد که بعضی این آمارها دقیق نیستند. به عنوان نمونه آمارهای مرکز ملی رصد اجتماعی وزارت کشور نشان می‌دهد ضریب جینی و توزیع ثروت در کشور عادلانه‌تر شده است. در حالیکه تحقیقات دانشگاهی و احساس عمومی مردم بیانگر شکاف فزاینده مرکز-پیرامون کشور و توزیع نامتوازن فقر در استان‌ها است و این خلاف آمارهای وزارت کشور است. بنابراین بر این اساس نمی‌توان برنامه‌ریزی صحیحی ارائه داد.

### - فقدان هماهنگی راهبردی

در حال حاضر مدلی تحت عنوان تقسیم کار ملی آسیب‌ها اجرا شده است.

کشور دچار ناهماهنگی راهبردی است. ناهماهنگی راهبردی وضعیتی است که «عملکرد دستگاه‌های مختلف دارای پیامدهایی است که سرجمع آنها به عوض همگرایی به حجم مسائل و آسیب‌ها می‌افزاید.» راهبردهای دستگاه‌ها از سطح کلان تا سطح اجرا دارای تعارضاتی است و متضمن ناهماهنگی‌هایی است که در نهایت به بهبود معنادار منجر نشده و عمده آسیب‌ها و مسائل را تشدید می‌کند. ناهماهنگی راهبردی محصول شرایط زیر است.

الف- فقدان تفاهم گفتگویی: مسئولان کشور و دستگاه‌های مختلف، درباره میزان آسیب‌ها و علت بروز آنها اجماع ندارند و هنوز در مورد اینکه در مورد آسیب‌ها وارد یک گفتگوی کلان بشویم و یا در مورد مسئله آب که آیا با مردم گفت‌وگو کنیم یا نه، به اجماع گفتگویی نرسیده‌ایم.

ب- بی‌توجهی دستگاه‌ها به پیامدهای سیاست‌ها به طور مثال: سد می‌سازیم نمی‌دانیم آدم‌های پشت سد حاشیه‌نشین می‌شوند یا خیر.

آسیب‌ها تهدیدی برای کل نظام هستند و ماهیت تمدنی ایران را به چالش می‌کشند و این آسیب می‌تواند به یک دولت وامانده و فرومانده منجر شود.

### - ضعف شناخت و تحقیقات

- دانش تئوریک مربوط به دانشگاه‌ها در حوزه مربوط به جامعه‌شناسی و مددکاری تولید می‌شود، اما داده مربوط به آسیب‌ها در نهادهای دولتی تولید می‌شود. سازمان بهزیستی خود صدها مشاور و پیگیر برای بررسی آسیب و موارد آسیب‌زا دارند و برای هر کدام از مورد هایشان پروفایل تشکیل می‌دهند. نهادهای حاکمیتی داده‌های مربوط به آسیب‌های اجتماعی را ثبت می‌کنند؛ با این حال یکسری داده‌ها هم از سوی دانشگاهیان ثبت می‌شود که معمولاً به صورت تئوریک فعالیت کرده‌اند. لینکی بین دانشگاه و نهادهای حاکمیتی نیست. در بعضی موارد اطلاعات و داده‌ها را مستقیماً در دسترس محققان نمی‌گذارند و آنها حق دسترسی به اطلاعات را ندارند. بنابراین نهادهای حاکمیتی مقاومت‌های جدی برای انتشار آمارها دارند.

### - اقتصاد آسیب‌های اجتماعی: آسیب‌های اجتماعی

دستخوش دو تحول جدی شده‌اند:

- ۱- سازمان یافته شدن علل وضعیت آسیب‌ها
- ۲- سودآوردن آسیب

مبحث اقتصادی آسیب‌ها این مسئله را مطرح می‌کند که پول و درآمد حاصل از مواد مخدر،



فحشا و... به کجا می‌رود و معمولاً آنها را در کجا سرمایه‌گذاری می‌کنند.

آمارهای بین‌المللی نشان می‌دهد ۴۳ درصد تریاک دنیا در ایران مصرف می‌شود و حجم فزاینده‌ای از درآمد ناشی از مخدرهای صنعتی در کشور وجود دارد. ضعف رویه‌های مبارزه با پول‌های کثیف بر شدت این روندها می‌افزاید.

**– احساس نارضایتی تعمیم یافته و به نوعی قاعده‌مند شدن بی‌قاعدگی:** یعنی مجریان قانون نسبت به بعضی بی‌قانونی‌ها و تکرار آنها بی‌تفاوت می‌شوند و حساسیت‌هایشان کاهش می‌یابد و یا از دست می‌دهند و یک بی‌قاعدگی تبدیل به یک قاعده می‌شود و این امر ناشی از این است که وقتی یک سیستم نمی‌تواند مسائل جدی را به شکل رضایت‌بخشی حل کند، مردم وارد یک تعاملی می‌شوند که با همدیگر مسئله را حل کنند و این بحران نشان از «بی‌اعتمادی بنیادی به مبانی نظم اجتماعی» است.

### راهکارها

بدون اصلاحات اساسی در ظرفیت تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرایی حاکمیت (ارتقای کیفیت حکمرانی) روند تشدید مسائل اجتماعی قابل حل نیست.

– ارتقای کیفیت حکمرانی در بخش مسائل و آسیب‌های اجتماعی باید معطوف به محورهای زیر باشد:

- الف- متمرکز کردن سیاست‌گذاری، شناخت یک سیاست و رویه واحد و منسجم برای مقابله با آسیب‌ها (بدون افزودن ساختار اداری جدید). یعنی مسئله این است که یک سازمان جدید را ایجاد کنیم و آن سازمان تمرکز در حل آن پدیده را داشته باشد؛ به عنوان مثال سازمان بهزیستی باید بتواند کار مختص به خود را انجام دهد.
- ب- حذف رویکرد امنیتی در مورد تحقیقات و بررسی‌های علمی این حوزه
- ج- تقویت قوانین و عمل به قانون در زمینه مبارزه با پول‌شویی و درآمدهای حاصل از اقدامات غیرقانونی

د- پاسخگو کردن دستگاه‌های متعدد دارای وظایف فرهنگی، اجتماعی، انتظامی، اقتصادی و سیاسی در مقابل بودجه‌هایی که می‌گیرند. به طور مثال: در آخرین گزارش‌هایی که به دولت داده شده تنها عنوان کرده‌اند که چه کار کرده‌اند یا چه مقدار نهاد ایجاد کردند، ولی عنوان نکرده‌اند که به چه میزان تأثیر گذاشتند و بیشتر تکیه بر کمیّت دارند تا بر کیفیت کار.

- تقویت نظام‌های تنظیم‌گری و اجرای قوانینی که همه دستگاه‌ها اعم از دولتی و غیردولتی را ملزم می‌سازد تا پیامدهای ناشی از اقداماتشان را برای سایر حوزه‌ها شناسایی و ارزیابی کنند.
- تقویت نظارت مؤثر بخش غیردولتی یعنی بهتر است که یک گفتمان عمومی در این رابطه ایجاد شود.
- تقویت شفافیت اطلاعاتی بر اساس نظام آزادی اطلاعات.

### ملزومات سیاسی اجرایی شدن راهکارهای تعدیل آسیب‌ها

در این قسمت ملزومات را عنوان کردیم و با پرونده هسته‌ای مقایسه می‌کنیم. پرونده هسته‌ای تا به عرصه گفتمان عمومی یک انتخابات کشیده نمی‌شد سر بلند بیرون نمی‌آمد. پس از آن جامعه به حدی درگیر گفت‌وگو در مورد این پدیده شد که قهرمانانی برای این امر ساخته شد و وزیر امور خارجه ما به یک شخصیت محبوب تبدیل شد. ایشان اگر حمایت‌های اجتماعی مردم را نداشت، نمی‌توانست وارد این مسئله شود.

- مسئله آسیب‌های اجتماعی حتی اگر در حد پرونده هسته‌ای تلقی شود، حل کردن آن مستلزم موارد زیر است:
- ۱- آسیب‌ها در حد یک مسئله ملی است که کشور را به سمت بحران پیش می‌برد به رسمیت شناخته شود.
- ۲- اجماع نسبی قوی برای طرح آشکار مسئله و به گفت‌وگو گذاردن آن شکل بگیرد.



با این آسیب‌ها و مواجهه چندین و چند ساله ایران با این مسائل مبتنی است.

اگر دقیق‌تر و جزئی‌تر با مسائل روبرو نشویم، نمی‌توانیم راهکاری برای حل مسئله بیابیم. آسیب‌های اجتماعی در ۴ حوزه با مشکل روبرو هستند:

**۱- فقدان تفاهم نظری:** متأسفانه آسیب‌های اجتماعی در حیطه سیاسی تفاهم نظری ندارند و در پی آن دولت و دانشگاه هم تفاهم نظری با هم ندارند. امروزه در حوزه سیاست عمومی، متخصصان بر این باورند که بدون تفاهم و سازش بین سه حوزه (دولت، دانشگاه و جامعه مدنی) در رویارویی با مسائل و آسیب‌ها موفق نمی‌شوند؛ بنابراین نباید هر حوزه نظر و عقیده خودش را القاء کند؛ بلکه همه باید با هم تفاهم نظری داشته باشند. بعضی از متخصصان با این رویکرد به آسیب‌دیده اجتماعی نگاه می‌کنند که یک تهدید است؛ مانند: یک معتاد، کودک خیابانی و... و معتقدند باید با آن‌ها به عنوان یک رفع تهدید برای جامعه مقابله کرد و اصولاً سیاست اجتماعی‌شان رفع تهدید بر مبنای اقتضای امنیتی است.

رویکرد بعدی این است که آسیب‌های اجتماعی به نوعی قربانی توسعه است و باید بخشی از سیستم‌های حمایتی را برای آنها داشته باشیم و معتقدند کودک خیابانی بخشی از توسعه است و ما باید با آن برخورد حمایتی و نوعی دلسوزی توأم با توجه را در نظر بگیریم. از نظر رویکرد سوم؛ آسیب‌دیدگان اجتماعی حق شهروندی دارند و در راستای برنامه‌ریزی توسعه‌مان باید حقوق شهروندی داشته باشند. در حال حاضر ارگان‌های درگیر با مسئله آسیب‌های اجتماعی هر کدام رویکرد متضادی برای حل مسئله دارند و تا زمانی که تفاهم نظری در حوزه حاکمیتی ایجاد نشود، امکان پیش‌برد موفق سیاست‌ها ایجاد نخواهد شد.

برای مقابله با ابهام و پیچیدگی بخشی از مسئله تفاهم نظری تفکیک مسائل اجتماعی از آسیب‌های اجتماعی الزامی است. به عنوان مثال ما چهار تعریف از کودکان کار و خیابان داریم: ۱- کودک در اشتغال ۲- کار استمار شده کودک ۳- کودک در خیابان ۴- کودک خیابانی؛ که هر کدام از این چهار گزاره یک تعریف متفاوت و مستثناء از هم را دارند.

مسئله و آسیب بعدی فقدان داده‌های هوشمند است، اگر بخواهیم به کنترل و کاهش آسیب اجتماعی رسیدگی کنیم سه گام باید برداشته شود.

۳- کل حاکمیت با هماهنگی گسترده برای بررسی مسئله در تصمیم‌های سختی که باید در قبال آن گرفته شود، آماده شود.

۴- یک دستگاه مسئول و مدیریتی مشخص و پاسخ‌گو وجود داشته باشد برای سیستم که همه ابعاد پرونده را بپذیرد.

۵- حاکمیت، آماده پرداختن هزینه‌های ناشی از ورود جدی به پرونده و بحث و گفت‌وگوی ملی باشد.

۶- حاکمیت آمادگی برای انعطاف‌پذیری داشته باشد. به طور مثال در کشور ما طرز برخورد و نوع مطرح کردن مسئله ایدز در پایتخت و دیگر شهرستانها متفاوت است و یا مسئله درآمد ناشی از مواد مخدر که به کجای رود را هنوز نتوانستیم علنی‌تر مورد بررسی قرار دهیم.

### دکتر کردونی: در حال حاضر با

بحران آسیب‌های اجتماعی در کشور مواجه هستیم. البته تنها کشور ما با این مسائل روبرو نبوده، بلکه اکثر کشورهای دنیا با آسیب‌های اجتماعی مواجهند چه بسا آنها در شرایط بدتر از ما قرار داشته باشند. شاخص‌های خودکشی، طلاق، ایدز و... در کشور ما در وضعیت مطلوب‌تری نسبت به کشورهای منطقه به سر می‌برد. بنابراین کشورهای دیگر هم تجاربی در این زمینه‌ها دارند و ما می‌توانیم از تجارب آنها هم استفاده کنیم. مسئله این است که متأسفانه رویکرد کاری ما نسبت به مسئله آسیب‌های اجتماعی از ۴۰ سال قبل تفاوت به خصوصی نداشته است.

پیش‌فرض‌هایی که برای ما مطرح است بر ناکارآمدی اکثر حوزه‌ها در قبال رویارویی

گام اول: تشکیل پروفایل برای آسیب‌دیدگان و اینکه بدانیم آسیب‌دیدگان چه کسانی هستند.

گام دوم: بدانیم کجا زندگی می‌کنند و بیشتر در کدام شهرها مستقرند.

گام سوم: چرا و به چه دلیل با آسیب روبه‌رو شده‌اند.

بهتر است با مسائل و آسیب‌ها جزئی‌تر و دقیق‌تر روبرو شویم و از سیاست‌گذاری‌های کلان و کلی‌گویی دوری کنیم.

باید فهم درستی از ماهیت مسئله داشته باشیم تا در چرایی بروز مسئله بتوانیم سیاست‌گذاری کنیم. به عنوان مثال: برای درک مسئله طلاق باید بررسی شود که در یک شهر آیا عامل اقتصادی موجب این امر شده است یا خیر، ما شهرهایی داریم که آمار طلاق در قشر مرفه بیشتر بوده و یا اینکه تک‌فرزندی در شهرهای مرفه بیشتر از شهرهای غیرمرفه است؛ بنابراین عامل اقتصادی به تنهایی نمی‌تواند دخیل در عامل طلاق و یا تک‌فرزندی باشد.

گام دوم شناخت مکان زندگی افراد آسیب‌دیده است. باید مکان‌های مخاطره‌آمیز را شناسایی کنیم تا آسیب‌ها اشاعه پیدا نکند و تبدیل به یک قاعده نشوند.

بنابراین دشواری‌ها به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱- فقدان تفاهم نظری

۲- فقدان داده‌های هوشمند

۳- فقدان داده‌های مؤثر در خصوص مکان‌های تحت ریسک و مخاطره‌آمیز.

۴- کنترل بر روی علت‌های بروز آسیب و استفاده از دانش دانشگاهیان برای برنامه‌های سیاستی الزامی است.

توصیه می‌شود به جای علت‌یابی بروز آسیب‌های اجتماعی به مداخله برای کنترل و کاهش آسیب اجتماعی مبادرت کنیم تا سریع‌تر به هدف برسیم. به عنوان مثال بهتر است برنامه حمایتی به منظور برخورد با تبعات طلاق برای افراد درگیر با آن را داشته باشیم تا فرزندان طلاق و زن و مردی که درگیر با این مسئله بودند به کج‌راهه کشیده نشوند. بر اساس تجربه و آمارهایی که در کشور و دیگر کشورها به دست آمده، نمی‌شود با پدیده طلاق مبارزه کرد و جلوی شیوع آن را گرفت ولی می‌توانیم تبعات بعد از آن را کاهش دهیم و یا حل کنیم.

- نکته دیگری که در خصوص کاهش آسیب‌ها می‌توان از آن استفاده کرد، دسترسی به دانش دانشگاهیان در حوزه سیاستی است. اگر مطالعه دانشگاهی روی آسیب‌ها بشود، بی‌گمان بهتر می‌توانیم آن

را از مدخل سیاستی در جامعه اجرا و پیاده کنیم.

\* **دکتر فاضلی:** توصیه می‌شود برای

پیش‌برد اهدافمان و کاهش آسیب‌ها از یک شبکه دانش محلی استفاده کنیم و از آن طریق لینک‌هایی برقرار کنیم تا بتوانیم از طریق آن شبکه دانش تولید کنیم. دستگاه حاکمیتی نیازمند محلی‌نگری است. متأسفانه هر استانی آماری از شرایط تفکیک وضعیت خودش با استان دیگر را ندارد. هر استان باید شرایط و آسیب‌های خودش را با استان‌های دیگر در نظر بگیرد و آسیب‌های خود را بر مبنای استان دیگری رصد کند. به عنوان مثال عامیانه‌ترین تفکری که از مدرسه‌نرفتن کودکان در ذهن می‌آید، مشکل اقتصادی است. در صورتی که با بررسی‌های علمی و محلی ۲۸ دلیل برای مدرسه‌نرفتن کودکان معرفی شده است که تمام اینها قابل تأمل است.

با این اوصاف پیش شرط مقابله با آسیب‌ها، درک جدید از فضای سیاست‌گذاری و الزامات سیاست‌گذاری در آنها است نه حمله وسیع‌تر به موضوع یا تحت فشار گذاشتن برای کاهش آمارهای آسیب‌دیدگان؛ چرا که ممکن است این امر باعث دستکاری در داده‌ها و یا نادیده گرفته شدن آسیب‌ها شود.

بهتر است سازمان‌ها نگاه خُرد به مسئله داشته باشند. سیاست‌گذاری می‌تواند کلان باشد اما اجرا باید منطقه‌ای باشد و ساختار بودجه‌مان تغییر کند و نظام دانش که مهم‌ترین است، عملی شود تا در پی آن بتوان دانش مرتبط را تولید کنیم.

